

## چرا پرسپولیس آری، استقلال نه؟

نگاه

شهرام وزیری

بررسی و نقادی موفقیت‌های پرسپولیس در مقایسه با استقلال برای یک استقلالی قدیمی که ریشه‌ای کهن در آن تاج دارد، گرچه به ظاهر سخت است اما اگر به دور از هر تعلق خاطر با نگاهی واقع‌بینانه به علل موفقیت هاوناگامی‌های این دو مجموعه مردمی پرداخته شود، چه بسامی تواندمفید حال و راهگشای آینده هر دو تیم باشد. بنابراین باید به دور از هیاهوهای رایج و کری خوانی هاور جز خوانی‌های بی‌مقدار، علل موفقیت‌های بی‌دری پرسپولیس و در عین حال ناکامی‌های مکرر استقلال در لیگ برتر را مورد نقد و وقت قرار داد که علت این تفاوت‌ها در کجاست و چه شد که نتایج میدانی این دو مجموعه یک شکل و یک ساختار اینقدر متفاوت شده؟ باید بررسی کرد در مقایسه ساختاری پرسپولیس با استقلال، این تفاوت‌هاست که بیشتر به چشم می‌آید تا شباهت‌های ساختاری آنها؟

مگر نه آنکه از نظر نوع اعمال مدیریت‌ها چنانچه رفته و می‌رود، قد و قواره و اندازه اداره‌کنندگان‌شان در یک کارگاه ریخته‌گری - وزارتخانه ورزش - قالب خورده است؟ مگر نه آنکه اعمال مدیریت‌های زینبار‌شان و بدهی‌های تلنبار شده‌شان و تعهدات جاری و ساری‌شان، نعل به نعل شبیه هم است؟ مگر نه آنکه بی‌وفایی‌ها و بدقولی‌های مکرر‌شان در برابر حق و حقوق مریمان و بازیکنان خودی و ایضاً طلبکاران خارجی و در نتیجه باختن‌ها در محاکم بین‌المللی همه‌کپی برابر اصل است؟ پس چه شده که پرسپولیس در این چهار، پنج فصل اخیر به خود آمد و استقلال فصل به فصل از خود بیخود شد؟ آیا موفقیت‌های این پرسپولیس هم قد و هم اندازه با استقلال از نظر ساختار مدیریتی را باید به حساب مدیریت‌های مدیران‌اش گذاشت؟ بنابراین اگر به گذشته و روند روبه‌رشد پرسپولیس نگاهی گذرا اما دقیق بیندازیم، بی‌هیچ تردید فصل الخطاب این همه موفقیت‌های سریالی برمی‌گردد به حضور شخص شخیص برانکو ایوانکوویچ. برمی‌گردد به دانایی یک مربی حرفه‌ای کاردان که با جدیت تمام اداره امور فنی تیم را از حوزه مدیران میز نشین جدا کرد و به هیچ‌کس باج نداد. مربی‌ای پاینده به مسائل اخلاقی و متعهد به قول و قرارهای حرفه‌ای (درست برخلاف مدیران پرسپولیس). اگر نوا روزی روز می‌بینی که پرسپولیس چنین موفق است همه برمی‌گردد به مقاومت و پایداری سرسختانه این مرد کروات در برابر سیاست‌های باری به هر جهت مدیرانی که گذری از در جلومی‌آیند و بی‌هیچ اثری و کارنامه‌ای از در پشتی غیب می‌شوند! البته در کنار تأثیرات غیر قابل‌کتمان برانکو در همه این پیروزی‌ها باید به تلاش تک‌تک بازیکنان و حضور کریم باقری مردی با سعه صدر و آرامش بخش در کنار برانکو هم اشاره داشت، بخصوص هواداران پرشوری که هرگز پشت برانکو را صد البته در برابر خودی‌های میز نشین خالی نکردند! یکی از فاکتورهای موفق برانکو را باید در پالایش به موقع بعضی از بازیکنان زیاده‌خواه و مزاحم و معترض در چرخه پرسپولیس دانست؛ کسانی چون صادقیان و مسلمان و رضاییان و... و بر کردن جای خالی آنها با کسانی چون امیری و ثرابی و نعمتی و خلیل‌زاده و کنعانی زادگان و... ضمن حفظ ساختاری مستعد و کارآمد تا ناباورانه تحویل کالدرن شود و سپس به همین گل محمدی خوشفکر و نجیب در ادامه راه برانکو برسد.

اما تو بخوان در آن سو استقلال با خود چه کرد؟ با روش آزمون و خطا با سرمایه‌هایی مثل مظلومی و منصوریان و شفر و مجیدی و استراماچونی، مدام داشت خودزنی می‌کرد! گرچه تشابه ساختاری پرسپولیس و استقلال نعل به نعل یکی است اما تفاوتش در موفقیت‌ها و ناکامی‌ها در یک سو برمی‌گردد به حضور یک مربی آگاه و بی‌ثبات و ساختار ساز و در دیگر سو که استقلال باشد، به حضور ۵ مربی بی‌ثبات سوخته در دل مدیریت‌هایی ساختار شکن!



معمای بزرگ یحیی در پرسپولیس

## غرور را خرد کن

کلیشه اشباع شدن در پرسپولیس

## مأموریت جدید یحیی

سامان موحدی‌راد

میعاد نیک

حمله به رکوردهای باقی‌مانده یا تقسیم قوای نفرات اصلی؟

## تصمیم با گل محمدی است

علی کمانگری

یک- یک روز شگاه وطنی. دیدار ناب‌ترین تیم‌های حال حاضر لیگ ایران در قائمشهر بر ندره نداشت. پرسپولیس یک هفته بعد از رسمی شدن قهرمانی خود، تنها با دو تغییر و حضور کنعانی به جای سید جلال و عالی‌شاه به جای نعمتی به میدان آمده بود تا یحیی نشان دهد به دنبال کسب همه رکوردها در ادامه فصل است، هر چند که تساوی در این دیدار خود به رکورد ۷ برد متوالی و ۱۰ برد متوالی بازی‌های خارج از خانه سرخ‌ها پایان داد. آن سوی ماجرا هم محمود فکری بعد از سه تساوی و سه برد که شامل یک تک‌امتیاز از استاد بیوم آزادی و یک کامبک دیدنی مقابل فولاد مدعی سهمیه می‌شد، برای حفظ این روند خوب خود به میدان آمده بود که موفق هم شد. پرسپولیس حالا در سه هفته‌ای میزبان ذوب آهن و سایپا و میهمان گل‌گهر خواهد بود. هر سه تیم‌ها برای نیفتادن تلاش خواهند کرد. پرسپولیس هم می‌تواند با کسب یک برد خارج از خانه در سیرجان و رسیدن به ۳۷ امتیاز در بازی‌های خارج از خانه، از این حیث در تاریخ لیگ رکورد دار شود. همچنین یک برد دیگر و رسیدن به ۴۱ امتیاز برد فصل، سرخ‌ها را صاحب بیشترین برد در یک دوره لیگ خواهد کرد و سرانجام رکورد بیشترین امتیاز تاریخ لیگ برتر هم همچنان به سرخ‌ها چشمک می‌زند. در بازی با نساجی یحیی نه تنها فرصت چندانی به جوانانش برای حضور در ترکیب ثابت نداد، بلکه از پنج تعویض موجودش هم تنها دو تعویض را به کار برد که از بین آن دو هم تنها روستایی جز نفراتی بود که کمتر در این فصل فرصت بازی داشتند. این در حالی است که یحیی می‌توانست برای دقایق پایانی، ربیع‌خواه یا اوساگونا را بعد از مدت‌ها به زمین بفرستد تا در شرایط مسابقه قرار گیرند، یا به محمد حسین کنعانی زادگان که نزدیک به ۱۸۰ دقیقه در این فصل برای پرسپولیس به میدان رفته، استراحت دهد تا احسان حسینی جوان هم یک محک جدی در قلب خط دفاع بخورد. سعید حسین پور، هافبک دفاعی خوش‌استایل تیم پرسپولیس هم می‌توانست در کنار کمال کامیاب‌نیا قرار بگیرد تا احمد نوراللهی بعد از یک فصل فرسایشی کمی استراحت کند. باید منتظر ماند و دید یحیی چه برنامه‌ای برای سه دیدار آتی تیمش دارد. به هر حال بازیکنان پرسپولیس در یک فصل فرسایشی به سر می‌برند و بلافاصله بعد از پایان لیگ باید خود را مهیای رقابت‌های جام حذفی کنند و بعد هم از ۲۴ شهریور در لیگ قهرمانان آسیا به میدان بروند. از اواسط مهر هم دیدارهای تیم ملی در پیش است و احتمال ملی پوش شدن ۵ یا ۶ نفر از ترکیب پرسپولیس وجود دارد. همه این عوامل ریسک مصدومیت بازیکنان را در ادامه فصل بسیار بالا خواهد برد. شاید بهتر باشد یحیی بیشتر از آنکه درگیر اعداد و ارقامی شود که چندان اعتباری به کارنامه حرفه‌ای‌اش نخواهند بخشید، تمرکزش را روی تقسیم قوای نفرات اصلی‌اش بگذارد و فرصت به دست آمده از هذنگام‌ترین قهرمانی تاریخ لیگ را با میدان دادن بیشتر به جوان‌ترها منتظم شمارد.

پرسپولیس در قائمشهر متوقف شد. این شاید خبر مهمی نباشد. آن هم برای تیمی که خیلی زود و با فاصله زیاد نسبت به رقیب‌قهرمان شده است. با این حال این تساوی رشته‌ای از موفقیت‌های باشگاه را پاره کرد و خیز آن‌ها برای رکورد شکنی در فصل رکورد شکنی‌ها را ناکام گذاشت.

حالا شاید شکستن رکورد بیشترین برد خارج از خانه یا کمترین گل خورده در لیگ چندان عنوانی نباشد که حالا از دست رفتنش برای پرسپولیس ناراحت‌کننده باشد اما شاید این تساوی زنگ خطری باشد برای اتفاقی که ممکن است برای یکی از بهترین تیم‌های لیگ برتر رخ بدهد.

اتفاقی کلاسیک که اغلب در فوتبال ایرانی رخ می‌دهد و از آن هم گریزی نیست. آن هم چیزی است که اغلب در عبارت کلیشه‌ای «اشباع شدن تیم» خلاصه می‌شود. اینکه تیمی بعد از کسب چندین و چند موفقیت پی‌درپی دچار بی‌انگیزگی برای کسب موفقیت‌های بیشتر می‌شود.

البته که پرسپولیس چهار سال چنین فرم ایده‌آلی را حفظ کرده و در دام چنین اتفاقات کلیشه‌ای نیفتاده است اما شاید بخشی از این ماجرا در محرک‌هایی نهفته باشد که در آن چهار سال در تیم وجود داشت و حالا کمرنگ شده است.

رسیدن به فینال آسیا و داشتن یک سرمربی کاربلد خارجی و حتی مسائلی چون بسته بودن پنجره نقل و انتقالاتی که از نظر روانی مسئولیت بازیکنان تیم را بیشتر می‌کرد و آن‌ها با حس مسئولیت‌پذیری بیشتری به میدان می‌رفتند.

همه اینها حالا در پرسپولیس دیده نمی‌شود و یحیی گل محمدی حالا تنها یک وظیفه مهم دارد؛ حفظ تیمی که در بهترین شرایطش قرار دارد.

اینکه آیا یحیی گل محمدی می‌تواند در بعد روانی روی تیمش کار کند یا خیر، مسأله‌ای است که تاکنون مابه‌ازای خارجی از آن ندیده‌ایم. حداقل تاکنون یحیی در وضعیتی نبوده که تأثیر روانی خاصی روی تیم‌های تحت هدایتش گذاشته باشد. همین مسأله که کنار عدم توجه مربی‌های ایرانی به چنین فاکتور‌هایی در تیم‌های‌شان موجب می‌شود تا این زنگ خطر برای پرسپولیس به صدا درآید.

آنها خیلی راحت می‌توانند حتی به پنجمین قهرمانی متوالی‌شان دست یابند چرا که فاصله‌شان با تیم‌های رقیب همچنان زیاد است اما به شرطی که بتوانند تیم را همچنان در وضعیت عالی حفظ کنند. حفظ روحیه تیم و دوری از حاشیه‌ها می‌تواند حتی دوامی یک‌دهه‌ای به موفقیت‌های پرسپولیس بدهد؛ چیزی که همه در وهله اول از یحیی گل محمدی انتظار دارند.

بارها دیده و یا شنیده‌ایم که یک سلبریتی پس از اینکه به تمام اهدافش رسید و به همه قله‌های موفقیت صعود کرد، دیگر امید و انگیزه‌ای برای ادامه راه نداشته باشد و از اوج محبوبیت به انتهای دره فراموشی سقوط کند. بل گاسکوئین و جرج بست از نمونه‌های بارز فوتبالیست‌های محبوب و موفق‌اند که نتوانستند با دوران

بسام‌موفقیت کنار بیایند و دچار پوچی و سردرگمی شدند تا عاقبت‌شان به اعتیاد به کواکین و الکل ختم شود. از این قبیل افراد و فوتبالیست‌ها چه در فوتبال داخلی و چه در فوتبال خارجی کم نیستند اما موضوع پرسپولیس بی‌شابهت به داستان بالا نیست.

رنال مادرید پس از هت‌تریک در قهرمانی اروپا به یک شوک بزرگ نیاز داشت و آن شوک خروج زیزو از برنابو بود. زیدان پس از اینکه متوجه شد چیزی برای اضافه کردن به افتخارات و تهییج بازیکنانش در رختکن ندارد، از حضور روی نیمکت تیم محبوبش صرف‌نظر کرد تا مادرید با سقوط حریص‌تر شود و در مسیر موفقیت قرار بگیرد.

این سناریو می‌توان برای پرسپولیس قهرمان این روزهای لیگ نیز تعمیم داد؛ قهرمانی با ۴ قهرمانی و یک نایب‌قهرمانی بر حسب تفاضل گل طی ۵ سال اخیر، همچنین با کسب جام حذفی و سوپر جام و رسیدن به فینال لیگ قهرمانان آسیا به هر آنچه تاکنون نیاز داشته‌اند، رسیده‌اند و عطشی در وجود خود حس نمی‌کنند. بازیکنان و مریمان تیم پرسپولیس از قهرمانی سیراب شده‌اند و آتش سال‌های بی‌جام را در این ۵ سال خاموش کرده‌اند تا انگیزه‌های بازیکنان قهرمان نیز به مرور کمتر شود. پرسپولیس پس از ثبت رکورد زودترین قهرمانی‌اش با پوکر در لیگ برتر دیگر آن پرسپولیس حریص و طمع‌کار سابق نیست.

سرخ‌پوشان که در هر لحظه از بازی برای گلزنی و تثبیت ۳ امتیاز برنامه داشتند و لحظه‌ای از حمله دست نمی‌کشیدند، مقابل نساجی در قائمشهر حتی ۲۰ درصد از آن تیم لجام‌گسیخته را نشان ندادند تا مشخص شود شیره بیروزی و میل به ابراز قدرت بین سرخ‌ها کاهش یافته و دیگر کسی خودش را برای بازی‌های تشریفاتی به مخاطره و در دسر نمی‌اندازد. پرسپولیس در دام قهرمانی‌های بی‌بایی خودش قرار گرفته و خوابیدن در باد این قهرمانی‌ها دمار از روزگار هر تیمی در می‌آورد. قهرمان‌ها که دیگر قله مهمی را برای فتح در ایران روی خود نمی‌بینند، ممکن است انتهای فصل از پرسپولیس هم جدا شوند تا تجربه‌ها و چالش‌های دیگری را تجربه کنند.

سرمربی پرسپولیس برای جلوگیری از این واقعه دردناک و افول سرخ‌ها باید چالش‌هایی هر چند فرمالیته را برای شاگردانش ایجاد کند تا روحیه جنگ‌طلبی و هجومی به اردوی قهرمان بازگردد. قدرت یک سرمربی کاربزماتیک در چنین پرتگاه‌هایی مشخص می‌شود، وگرنه همه قهرمان شدن با بهترین بازیکنان را از برند.